

زناشویی های خویشاوندی (همخون) از دیدگاه اسلام

دکتر احمد کتابی*

چکیده

بیآمدهای ناگوار زناشویی های همخون، از نظر سلامت جسمی و روانی و تکامل عقلی و فکری فرزندان، تقریباً از بدیهیات و مسلّمات دانش امروز است. از این رو، بررسی دیدگاه آیین اسلام در این خصوص - با توجه به تأثیر تعیین کننده ای که باورهای دینی بر رفتارهای اجتماعی مردم دارد و با عنایت به شیوع نسبتاً وسیع این گونه ازدواجها در ایران، به ویژه در نقاط روستایی - از اهمیت خاصی برخوردار است.

در این مقاله تلاش شده است، با وجود کمبود مآخذ، موضع شریعت اسلام در مورد این ازدواجها، با توجه به منابع فقه (کتاب، سنت، ...)، به صورتی کاملاً مستند بررسی و ارائه شود. از مجموع مباحث و مندرجات این مقاله می توان، با احتیاط، به این جمع بندی رسید که از نظر دین اسلام، زناشویی های خویشاوندی (همخون) اگر مکروه و نامطلوب نباشد، مستحب و مورد توصیه نیست.

بدیهی است که با توجه به کم سابقه بودن این بررسی، تشخیص صحّت و سقم یافته های آن، مستلزم تنّوع و غور بیشتر و نیازمند نقّادی صاحب نظران آگاه و کارشناسان خبیر است. در پایان مقاله، همچنین به آرای برخی از فلاسفه، مورخان و علمای اخلاق اسلامی در باره زناشویی های خویشاوندی (همخون) اشاره و نظریات آنها جمع بندی شده است.

واژگان کلیدی

ازدواج با ارحام، همخونی، وراثت، محارم

در آغاز سخن، جای آن دارد که به عنوان مقدمه، توضیحات مختصری در مورد اصطلاح «زنانشویی خویشاوندی (همخون)»^{*} و نیز در خصوص پیامدهای این گونه ازدواج ارائه شود:

تعریف زنانشویی خویشاوندی (همخون)

زنانشویی خویشاوندی (همخون) عبارتست از وصلت بین دو زوج که با یکدیگر «قربت (= خویشاوندی) نسبی»^{** (۱)} داشته و دارای شماری ژن مشابه - با ساختار یکسان - باشند مشروط بر اینکه ژنهای مزبور از گذشتگان و اجداد پدری یا مادری آنها، به آنان منتقل شده باشد. (سروری، ۱۳۷۴، ص ۱۰۹).

به موجب تعریف یاد شده، زنانشویی خویشاوندی (همخون) مستلزم تحقق سه شرط زیر است:

- وجود قربت نسبی بین زوجین. بنابراین، ازدواج بین افرادی که با هم «قربت نسبی»^(۲) و یا «قربت رضاعی»^(۳) و غیره دارند، از شمول تعریف مزبور خارج است.
- داشتن نیاکان به ویژه اجداد یا جدات مشترک.
- وجود تعداد زیادی ژن مشابه با ساختمان فیزیکی، شیمیایی همانند در زوجین.
- بدیهی است در صورت تحقق شرط دوم، شرط سوم، علی القاعده حاصل خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

*- در زبان انگلیسی چندین اصطلاح و ترکیب در مورد اینگونه ازدواجها به کار می رود: Familiar marriage (زنانشویی فامیلی)، Consanguine (ous) marriage (زنانشویی بین افراد همخون)، Blood marriage (ازدواج نسبی)، Marriage with relatives (زنانشویی با خویشان) و In - Family endogamy (درون زنانشویی خویشاوندی) (کتابی، ۱۳۸۰، پیوست اصطلاح شناسی).

در این مقاله، به منظور اجتناب از خلط و اشتباه، ترکیب «زنانشویی خویشاوندی (همخون)» ترجیح داده شده است؛ زیرا استفاده از اصطلاح «زنانشویی خویشاوندی» (بدون ذکر صفت «همخون») ممکن است این توهم را ایجاد کند که ازدواج با خویشاوندان سببی (مثلاً وصلت مردی با خواهر زن متوفایش) و نیز ازدواج با خویشاوندان رضاعی (مثلاً وصلت مردی یا دختری که از مادر او شیر خورده است) هم، مشمول این عنوان است و حال آنکه این گونه ازدواج ها - لااقل از نظر همخونی - متضمن خطرات ژنتیکی نیست.

** - شماره های مسلسل مندرج در متن یا پاورقی ها، معرف توضیحاتی است که در پایان مقاله، ذیل عنوان یاداشتها، به ترتیب ذکر شده است.

درجه بندی خویشاوندی های همخون

در علم وراثت، افراد برحسب نزدیکی یا دوری رابطه خویشاوندی و شباهت وراثتی با یکدیگر به شش مرتبه یا درجه بندی به شرح زیر طبقه بندی می شوند. (همان، صص ۱۱۲-۱۱۰):

خویشاوندان درجه یک که شامل پدر و مادر، فرزندان، برادران و خواهران می گردد. شباهت وراثتی در بین این دسته از خویشاوندان، ۵۰ درصد است. به عبارت دیگر، هر فرد با پدر، مادر، فرزندان و برادران و خواهران خود، حدود ۵۰ درصد همانندی وراثتی دارد.

اگر رقم کل ژنهای انسان را یک میلیون و شمار ژن های فعال را حداقل یکصد هزار فرض کنیم، تعداد ژن های مشابه که دارای ساختار فیزیکی و شیمیایی همانند هستند، در خویشان درجه یک به حدود پنجاه هزار بالغ می شود.

خویشان درجه دو که عموها، عمه ها، دایی ها، خاله ها و برادرزادگان و خواهرزادگان را در برمی گیرد. میزان شباهت وراثتی بین هر فرد و خویشاوندان درجه دو وی، ۲۵ درصد و رقم ژنهای مشابه آنها بیست و پنج هزار است.

خویشان درجه سه که مشتمل بر پسرعمو، دخترعمو، پسرخاله، دخترخاله، پسردایی، دخترعمه، پسرعمه و دختردایی می گردد. میزان شباهت وراثتی بین هر دو فرد از این گروه ۱۲/۵ درصد و تعداد ژنهای مشابه آنها بالغ بر دوازده هزار و پانصد است.

شایان توجه است که در ازدواج های دو طرفه یعنی زناشویی هایی که زوجین از یک سو، پسرعمو - دخترعمو و از سوی دیگر پسرخاله - دخترخاله* باشند، شباهت وراثتی به دو برابر افزایش می یابد. (۴) (همان، ص ۱۱۱).

خویشان درجه چهار که شامل نوه عمو، نوه عمه، نوه دایی و نوه خاله می شود. میزان شباهت وراثتی بین این افراد ۶/۲۵ درصد و شمار ژن های مشترک آنها شش هزار و دویست و پنجاه است.

* در زبان انگلیسی به زوجینی که پدران آنها برادر و یا مادران آنها خواهر باشند، اصطلاحاً Parallel cousins و آنها که پدر و مادرشان با هم خواهر و یا برادر باشند Crossed cousins اطلاق می شود.

خویشان درجه پنج که مشتمل بر نتیجه* عمو، نتیجه عمه، نتیجه دایی و نتیجه خاله است. در این حالت، شباهت وراثتی ۲/۱۲۵ درصد و رقم ژنهای مشترک سه هزار و یکصد و بیست و پنج است.

خویشان درجه شش که شامل نیره** عمو نیره عمه، نیره دایی و نیره خاله است. شباهت وراثتی در این گروه، ۱/۵۶۲۵ درصد و تعداد ژنهای مشابه یکهزار و پانصد و شصت و دو و نیم است.

طبعاً در مراتب و درجات پایین تر*** هم، ازدواج خویشاوندی قابل تصور است ولی از آنجا که رقم ژنهای مشابه بین زوجین اندک و احتمال وقوع چنین ازدواج هایی بسیار کم و نزدیک به صفر می باشد، بهتر است از بحث در باره آنها صرف نظر شود.

بررسی اجمالی عواقب زیستی و وراثتی زناشویی های خویشاوندی (همخون)

چنانکه گفته شد در بین افرادی که با هم خویشاوندی همخونی - چه به شکل ابوینی و چه به صورت ابی (= پدری) یا امی (= مادری) - دارند مقداری شباهت وراثتی وجود دارد که بین حداقل ۱/۵۶ درصد تا حداکثر ۵۰ درصد در نوسان است. (۵)

خطر اصلی ازدواجهای خویشاوندی (همخون)، در واقع، در همین شباهت وراثتی زوجین نهفته است؛ زیرا بر اثر زناشویی، ژنهای معیوب (= بیماری زای) نهفته ای که کم و بیش در اکثر انسان های ظاهراً سالم وجود دارد، (۶) به دلیل شباهت وراثتی پدر و مادر، در کنار هم قرار می گیرد و بر اثر این پیوستگی تقویت می شود و از حالت «مغلوب» به حالت «غالب» تبدیل می گردد و سرانجام به صورت انواع بیماری های

* - نتیجه (Great grand child) اصطلاحاً به پشت سوم اولاد و با به عبارت دیگر به فرزند نوه اطلاق می گردد.

** - نیره (Great great grand child) به پشت چهارم اولاد - یعنی فرزند نتیجه - گفته می شود

*** - شایان توجه است که در فرهنگ عامه به فرزند نیره اصطلاحاً «ندیده» Great great great grand child و به فرزند او - یعنی پشت ششم اولاد - «آفتاب سربام» اطلاق می گردد. (تعبیر اخیر را سالها پیش از جدّه پدری ام در اصفهان شنیدم)

مادرزادی و معلولیت های جسمی و عقب ماندگی های مغزی و فکری، در کودکان ناشی از ازدواج های مزبور ظاهر می شود.

در اینجا مجال اینکه به تفصیل به چگونگی و مکانیسم این تأثیر پردازیم فراهم نیست. از این رو، علاقمندان را به مطالعه کتابها و مقاله های بی شماری که در این زمینه نگارش یافته و بررسی نتایج پژوهش های متعددی که در این خصوص صورت گرفته است، ارجاع می دهیم* و تنها به ذکر دو نکته مهم و اساسی اکتفا می کنیم:

یک - امروزه از نظر دانشمندان علم وراثت و متخصصان زیست شناسی، متضمن خطر بودن (و یا به تعبیر دقیق تر، همراه با ریسک بودن) زناشویی های خویشاوندی، واقعیتی مسلم و مورد اتفاق نظر است که با بررسی ها و آزمون های مکرر و متعدد پزشکی، زیست سنجی و روان سنجی مورد تأیید قطعی قرار گرفته است.**

دو- در چند دهه اخیر، بر اثر تحولات بسیار سریع تکنولوژی و ماشینی شدن روز افزون زندگی بشر و ازدیاد انواع آلودگی های فیزیکی و شیمیایی و نیز به دلیل افزایش عوارض جانبی درمان ها و داروها و عوامل مشابه... ازدواج های خویشاوندی (همخون) عواقب و پی آمدهای جدیدی حاصل کرده است که یکی از مظاهر بارز آن، بروز انواع بیماری های نوظهور ارثی ست. این بیماری ها اکثراً از وقوع تغییرات شدید و ناگهانی در ژن ها - به صورت جهش*** - ناشی می شود و در نتیجه مشابهت وراثتی موجود بین زوجین خویشاوند، بر وسعت دامنه و شدت آنها افزوده می شود. (همان، ص ۳۰۰)

پس از این توضیحات مقدماتی، که ناگزیر قدری به اطناب گرایید، به موضوع اصلی مقاله می پردازیم و بررسی خود را تحت دو عنوان ادامه می دهیم:

*- در کتاب ازدواج های فAMILI و بیماریهای ژنتیکی کودکان، تعداد کثیری از این بررسی ها و مآخذ به گونه ای شایسته معرفی و یا تلخیص شده اند. (سروری، همان، صص ۲۲۷-۲۱۹ و ۱۸۴-۱۲۱)

** - به عنوان «مآخذ دیگر» در بخش مآخذ رجوع شود.

۱- زن‌اشوبی های خویشاوندی (همخون) در حقوق اسلامی (فقه)

ازدواج های خویشاوندی (همخون) و اثرات و تبعات آنها از نظر سلامت جسمی و روانی فرزندان، از جمله مسائلی نوظهور (با به اصطلاح «مستحدثه») ایست که اساساً در چند دهه اخیر مورد توجه زیست شناسان و متخصصان علم وراثت قرار گرفته است. بنابراین، نباید انتظار داشت که این مساله به طور مستقل و به تفصیل در کتب و متون فقهی مورد عنایت و بررسی قرار گرفته باشد.

در این قسمت، می‌کوشیم اطلاعات بسیار مختصری را که در خصوص این موضوع، بسته و گریخته، در بعضی منابع فقهی و یا متون مربوط به اخلاق اسلامی ذکر شده است گردآوری و جمع بندی کنیم. سخن را از قرآن - نخستین و مهم ترین منبع فقه - آغاز می‌نمائیم:

کتاب (قرآن)

تا آنجا که نگارنده تفحص کرده است، در هیچ جای قرآن کریم، آیه ای که مستقیماً به مسأله ازدواج های خویشاوندی مربوط شود، وجود ندارد. تنها آیه ای که به نحو غیرمستقیم به این موضوع ارتباط می‌یابد، آیه بیست و سوم از سوره «نساء» است که در آن «محارم» - زنانی که زن‌اشوبی با آنها ممنوع است - به شرح زیر احصاء شده اند:

«حُرِّمَتْ عَلَيْكَ امهَاتُكُمْ وَاخْوَاتُكُمْ وَاُمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وبنات الاخ وبنات الاخت و امهاتكم الق ارضعنكم و اخواتكم من الرضا عه و امهات نسائكم و ربائکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم التی دخلتم بهنّ فلا جناح علیکم و حلال اینائکم الذین من اصلابکم و آن جمعوا بین الاختین الاماقد سلف، ان الله کان غفوراً رحیماً»

برشما حرام شده (است ازدواج با) مادرائتان و دخترانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادرائی که شیرتان داده اند (= مادر رضاعی (۷) و خواهران همشیرتان (=خواهر رضاعی (۸) و مادران زنانتان و دختران زنانتان - دختران زنانی که با آنها مقاربت کرده اید و اگر با آنها مقاربت نکرده باشید، در این صورت، بر شما گناهی نیست (که پس از طلاق زن با ایشان ازدواج کنید) و (نیز) زنان حلال پسرانی که از پشت شما پیدا (بر شمار حرامند) و اینکه دو خواهر را همزمان به

زنی بگیرید (هم حرام است) مگر آنچه پیش از این وقوع یافته است* ، به راستی خداوند
بخشنده و مهربان است.**



*- مواردی که در دوران جاهلیت و قبل از نزول این آیه صورت گرفته است.

** - برگردان آیه به فارسی با ترجمه های مرحوم مهدی الهی قمشه ای و شادروان زین العابدین رهنما مقابله شده است.

جدول شماره ۱- محارم (- زنانی که زناشویی با آنها حرام است) در اسلام برحسب نوع محرمیت

محارم نسبی*	محارم رضاعی**	محارم سببی = محرّمات به مصاهره (= به سبب ازدواج)****	محارم نسبی* عناوین هفتگانه*****
محارم ولایی*** محارم ناشی از رابطهٔ بندگی بین مولا و کنیزه حرمت ازدواج بین مولاو بستگان کنیز و نیز بین کنیزو بستگان مولا کم و بیش شبیه حرمت ناشی از ازدواج بین زن و مرد غیر بند است.	تمام عناوین هفتگانه مندرج در ستون محارم نسبی، می توانند محارم رضاعی نیز باشند. مثلاً مادر رضاعی - زنی که به طفلی غیر از طفل متولد از خود شیر داده است، - بر آن طفل حرام و محرم است. همچنین، دختری که با پسری غیر از برادر پدری یا مادری خود همشیر بوده است، نسبت به آن پسر حرام و محرم است.	۱- نادرتری (= دختر زن) و دختر او (هرقدر پایین رود) ۲- زنِ پسر یا ناپسری (هرقدر بالا رود) ۳- زنِ پدر (=مادامری) و زنِ جد (اعم از پدری و مادری) هر قدر بالا رود ۴- مادر زن و جدّه زن (اعم از پدری و مادری) ب) محارم غیر موید (= غیرانثی): ۱- ازدواج همزمان با دو خواهر: ۲- ازدواج با برادرزاده یا خواهرزادهٔ زن (اعم از برادر یاخواهر نسبی یا رضاعی زن) چه به صورت عقد پائم و چه به صورت عقد منقطع (صیغه). بدون رضایت زن و به حالت همزمان	۱- امّهات (= مادران به مفهوم وسیع کلمه) که شامل مادر و مادربزرگ (=جدّه) پدری و مادری و مادرِ جدّه و بالاتر می شود. ۲- بنات (= دختران) که مشتمل بر دختر و دخترِ دختر یا دخترِ پسر (تا هرقدر که پایین رود می گردد. ۳- اخوات (= خواهران) اعم از تنی و ناتنی ۴- عمّات (عمه ها) اعم از تنی و غیر تنی و نیز عمه های تنی و ناتنی پدر و مادر (هر قدر بالا رود) ۵- خالات (= خاله ها) اعم از تنی و ناتنی و نیز خاله های تنی و ناتنی پدر و مادر هرقدر بالا رود) ۶- بنات الاخ (= دختران برادر) و نیز دختران آنها (تا هر قدر پایین رود).

* - ماخذ: جعفری، بی تا، صص ۸-۴۷۷

** - ماخذ عبده (بروجردی) ۱۳۳۹، صص ۲۸۱، ۲۸۹، ۲۹۰

*** - «الولاء لحمه کلحمة النسب» (رابطهٔ بندگی چون پیوند خویشاوندی است).

**** - ماخذ همان، صص ۲۸۵-۲۸۲

***** - در ذکر عنوان های مذکور، ترتیب ملحوظ در آیه ۲۳ سورهٔ نساء رعایت شده است.

به طوری که ملاحظه می شود دایره مجاز همسرگزینی بین خویشاوندان نسبی در اسلام شامل عموزادگان، عمه زادگان، دایی زادگان و خاله زادگان و فرزندان آنها - تا هر قدر که پایین رود - می گردد که این محدوده تقریباً با مفهوم انگلیسی Cousin marriage مطابقت دارد. (۹)

سنت

در اصطلاح فقه، «سنت» عبارتست از گفتار، رفتار و تقریر معصوم (۱۰) و بنابراین، به سه نوع تقسیم می شود:

قولی، فعلی و تقریری. (جعفری، ۱۳۳۴، ص ۱۴۸).

سنت قولی که منظور از آن گفته هایی ست که تحت عنوان «حدیث» یا «روایت» مستقیماً و یا با واسطه از معصوم نقل شده است.

از نظر سنت قولی، تقریباً هیچ روایت و یا حدیث معتبری که دال بر استحباب ازدواج های خویشاوندی (همفون) و یا حتی حاکی از نیکو بودن و یا مورد توصیه قرار گرفتن آنها باشد، نقل نشده است. (۱۱) در مقابل، در چندین ماخذ، روایت ها و اظهار نظرهایی مشاهده می گردد که حاکی از کراهت و یا لاقبل عدم مطلوبیت این گونه ازدواج ها از نظر شرعی است که ذیلاً به اهم آنها اشاره می شود:

امام محمد غزالی در اثر معروف خود: احیاء علوم الدین: (کتاب: آداب النکاح)، ضمن استناد به حدیث نبوی، زناشویی با خویشاوندان نزدیک را عملی نامطلوب تلقی می کند زیرا به اعتقاد او، این گونه ازدواج به تولید فرزندان ضعیف منجر می گردد:

«[خصلت] هشتم [از خصلت های نیک زن (۱۲)] آنکه خویشاوند نزدیک نباشد که شهوت در حق خویشاوند، ضعیف بود و پیغامبر - صلی الله علیه و سلم - فرمود: «لا تنحکوا ابه القریبه فان الولد یخلق ضاویاً» ای (= یعنی) خویشاوند نزدیک را به زنی مکنید که فرزند، ضعیف آید» (غزالی، ۱۳۵۹، آغاز ربع عادات، ص ۱۲۴) غزالی، علت این ضعف را در کمبود انگیزه و تمایل جنسی در افراد نسبت به خویشاوندان نزدیک جستجو

می کند و در توجیه آن به این اصل کلی توسل می جوید که آدمی به مقتضای فطرت، بیشتر به امور جدید و غیرمتعارف راغب است تا امور عادی و معهود:

«... و آن [ضعیف شدن اولاد] به سبب تأثیر وی [= خویشاوندی نزدیک] باشد در تضعیف شهوت که انگیزختن شهوت به قوت احساس نگرستن و بسودن* باشد و [این احساس] را قوتی نبود مگر در کاری غریب و جدید که رغبت افزایش» (همان)

ناگفته نماند که مترجم فارسی احیاء علوم الدین - مؤیدالدین محمد خوارزمی (متعلق به قرن هفتم هجری) - ضمن شرح و توضیح مورد مذکور، متعرض نکته مهمی شده است که از نظر علم وراثت (ژنتیک) امروز اهمیت بسیار دارد و آن توأم شدن و ترکیب یافتن خصایص مطلوب زوجین در فرزندان ناشی از ازدواج های غیرخویشاوندی و نیز در اخلاف آنهاست:

«...مترجم می گوید که در مصاهرته (= ازدواج با) بیگانگان و احتراز از خویشان فایده دیگر هست و آن فایده آن است که: هر قومی را کمالی باشد در چیزی و چون زن و شوی از دو اصل مختلف باشند در فرزند، کمال هر دو فریق (= دسته، گروه) جمع شود چنانکه از «ترک» و «هندو» اگر فرزندی آید با چهره هندوان و لون (= رنگ) ترکان باشد؛ و آمده است که عبدالله زبیر، نبیره ابوبکر بود، هم جمال ابوبکر داشت و هم شجاعت زبیر» (همان)

شایان ذکر است که خوارزمی صفات و خصایص نامطلوب را از این قاعده مستثنی می شمارد زیرا بنا به اعتقاد او، در طبیعت، کمال، اصالت دارد و نقصان و عیب عارضی و استثنایی است:

«... و اگر کسی گوید که: هر قومی را در چیزی نقصان باشد، پس بیم آن باشد که در فرزند هر دو نقصان جمع شود [در پاسخ] گوییم؛ کمال در طبیعت، مقصود ذاتی است و نقصان به سبب عارضی لازم آید و بدین سبب، کم اتفاق افتد که نقصان ها جمع شود [بلکه] در اغلب واهم [موارد] کمال ها فراهم آید» ** (همان، صص ۵-۱۲۴)

*- «بسودن» (= بسودن، بساودین) به معانی زیر به کار رفته است: دست نهادن، لمس کردن، سودن و مالیدن (ماخذ: فرهنگ معین جلد اول، ذیل کلمه مزبور)

** - جمع کرد

ناگفته نماند که در شرح زبیدی بر احیاء العلوم، علاوه بر حدیث مزبور، احادیث دیگری با عبارات و مضامین تقریباً مشابه، ذکر شده که از آن جمله است حدیث مذکور در «صحاح جوهری» بدین شرح: «اغتربوا لتضوا» (یعنی: با بیگانگان وصلت کنید تا نسل شما ضعیف نشود) که در توضیح آن گفته شده است که اعراب معتقد بودند که فرزندان مولود ازدواج های خویشاوندی اصولاً ضعیف به دنیا می آیند. (۱۳)

در همان مأخذ، حدیثی از طلحه بن عبدالله به روایت طیرانی نقل شده است به این شرح که «الناکح فی قومه کا لمعشَب فی داره» (یعنی کسی که درصدد ازدواج با اقوام خود باشد همانند کسی است که بخواهد در داخل خانه خود گیاه برویاند). (۱۴) (الحسینی الزبیدی، بی تا، صص ۹-۳۴۸)

سنت فعلی

که منظور از آن، نحوه رفتار و عملکرد معصوم در موردی خاص مثلاً در خصوص ازدواج با خویشان است.

به موجب شواهد تاریخی موجود، پیامبر و ائمه در انتخاب همسر از الگوی مشخص و ثابتی تبعیت نمی کردند. به دیگر سخن، دایره همسرگزینی آنها، صرف نظر از ممنوعیت های کلی و عمومی مقرر در اسلام، محدودیت خاصی نداشت کما اینکه در بین همسران پیامبر، هم زنان خویشاوند مشاهده می شوند (نظیر: زینب نوه عبدالمطلب عموزاده پیغمبر، ...) و هم زنان غریبه (مثل: خدیجه، عایشه (دختر ابوبکر)، حفصه (دختر عمر) (۱۵))

در بین ازدواج های ائمه نیز، هم به نمونه هایی از زنشوهایی خویشاوندی برمی خوریم (نظیر ازدواج حضرت علی (ع) با نوه عمویش حضرت زهرا (س) و نیز وصلت حضرت زینب (س) با پسرعمویش عبدالله جعفر و زنشویی امام سجّاد (ع) با دختر عمویش امام حسن مجتبی (ع) و هم به موارد متعددی از ازدواج های برون گروهی و غیرخویشاوندی (مثل ازدواج حضرت علی (ع) با ام البنین (۱۶)، وصلت امام حسین (ع) با شهربانو دختر یزدگرد سوم، (۱۷) ازدواج امام جعفر صادق (ع) با زنی کنیز (که مادر

امام موسی بن جعفر (ع) بوده است) و زناشویی امام حسن عسگری (ع) با یک کنیز اصلاً رومی که در جنگ به اسارت در آمده بود.

سنت تقریری

که مراد از آن، موافقت ضمنی معصوم با انجام یا عدم انجام یک عمل از طریق عدم ابراز مخالفت با آن است. به عبارت دیگر، سنت تقریری به فعل یا ترک فعلی اطلاق می شود که پیامبر یا ائمه از آن آگاه شده ولی آن را مورد نهی قرار نداده باشند.* به حکایت شواهد موجود، هیچ سنت تقریری که حاکی از قائل شدن استحباب یا کراهت برای ازدواج های خویشاوندی از جانب معصوم باشد، روایت نشده است.

۲- ازدواج های خویشاوندی در متون اخلاقی، فلسفی و تاریخی بعد از اسلام در کتابهای تاریخی و متن های اخلاقی و فلسفی دوران اسلامی نیز، اشارات پراکنده ای در مورد زناشویی های خویشاوندی مشاهده می شود:

مقدسی، جهانگرد و جغرافی دان شهیر قرن چهارم هجری، در کتاب «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم» از رواج زناشویی های درون گروهی در بین دیلمیان و سخت گیری شدید آنها در این خصوص سخن می گوید:

«روزی من در سرایی بودم، مشاهده کردم دختری می گریزد و مردی با شمشیر آخته به دنبال او می دود، علت را جویا شدم، آن مرد گفت: چون به ازدواج کسی غیر از خاندان دیلم در آمده، قتلش واجب است» (مقدسی، ۱۳۶۱، ص....)

مسعودی در اثر معروف خود «مروج الذهب...» (مورخ ۲۳۶ ه ق) از عدم مطلوبیت ازدواج های درون گروهی در نظر چینی ها و اعتقاد آنها به اینکه زناشویی های برون گروهی موجب تأمین سلامتی، تقویت بنیه و طول عمر می شود، یاد می کند:

«مردم چین نیز چون عرب [ها] که قبایل و تیره ها و رشته نسب ها دارند، به اقوام و قبایل جدا تقسیم شده اند و سوابق قبایلی را حفظ و رعایت کرده اند. گاه باشد که یکی شان تا پنجاه پدر یا کمتر و بیشتر نسب به «عامور» رساند. [در ضمن] وابستگان یک تیره نسبی با همدیگر ازدواج نکنند... و پندارند که این روش مایه صحت نژاد و قوت بنیه شود و عمر را دراز کند» (مسعودی، ۱۳۴۳، ص ۱۳۵)

*- مثلاً عملی در برابر چشم آنها انجام شده و یا ترک گردیده ولی از جانب آنان، مخالفت و یا اعتراضی ابراز

شیخ الرئیس ابوعلی سینا در کتاب شفا (فصل چهارم از مقاله هشتم، فن ثانی، حیوان) با نقل گفته ای از ارسطو (از کتاب حیوان) درصدد القای این نظر است که حتی حیوانات هم، از آمیزش با بستگان نزدیک خود نفرت دارند. ^(۱۸) (حسن زاده آملی، ۱۳۷۷، ص ۶۲)

امام محمد غزالی، صاحب نظر و متفکر قرن پنجم هم، چنانکه پیش از این گفتیم، انتخاب زوجه را از میان خویشاوندان نزدیک امری نامطلوب تلقی می کند. در اینجا، گفته وی را به نقل از کتاب کیمیای سعادت که مندرجات آن کم و بیش شبیه کتاب احیاء علوم الدین است، می آوریم:

«صفت هشتم [از صفاتی که سنّت است نگاهداشتن (= رعایت) آن در زنان] آنکه از خویشاوندان نزدیک نبود که در خبر است که فرزندی، از آن ضعیف آید و مگر (= شاید که) سبب آن باشد که شهوت در حقّ خویشاوندان، ضعیف تر بود» (غزالی، ۱۳۶۱، جلد ۱، ص....)

عنصر المعالی قابوس بن وشمگیر، صاحب کتاب «قابوسنامه» (از متون اخلاقی نیمه دوم قرن پنجم)، ضمن وصایای مختلف، به فرزندش اندرز می دهد که همسر خود را از خاندانی (قبیله ای) دیگر برگزیند، باشد که بر اثر این پیوند، بیگانگان نیز در شمار خودی ها در آیند:

«... و زن از قبیله دیگر خواه تا بیگانگان را خویش کرده باشی که اقرباء تو خود اهل تو باشند»* (قابوس بن وشمگیر، ۱۳۴۷، ص ۹۳)

شجاع، نویسنده کتاب انیس الناس (مورخ ۸۲۰ ه ق) نیز، با قابوس بن وشمگیر هم عقیده است: به عقیده وی، زناشویی با افراد خارج از خانواده موجب می شود که فرد، علاوه بر اتکای به خاندان خود، از حمایت و مساعدت افراد متعلق به خاندان دیگر هم بهره مند گردد:

*- در قابوسنامه مصحح دکتر غلامحسین یوسفی (ص ۱۳۶) در این خصوص، چنین آمده است:

«... اما اگر پسر را زن همی دهی و اگر دختر را به شوی دهی با خویشاوندان خویش وصلت مکن و زن از بیگانگان خواه که با قرابت (= اقرباء خویشاوندان) خویش اگر وصلت کنی و اگر نکنی ایشان خود خون و گوشت تواند پس زن از قبیله دیگر خواه تا قبیله خویش را به دو قبیله کرده باشی و بیگانه را خویش گردانیده تا قوت تو بگر، به باشد و از دو جانب ترا معاونت (= کمک) کنان باشند»

«چون پسرت بالغ شود، او را متأهل ساز، اگر خواهی به صلاح آید* و باید که با خویشان وصلت نکنی، چه با خویش و اقربا اگر وصلت کنی و اگر نی** قبیله یکی است. پس زن از قبیله دیگر باید خواست تا قبیله دو گردد و معاون و قوت شخص و تبع او از دو جا باشد» (شجاع، ۱۳۵۰، ص ۲۳۹)

اگر مجموع ملاحظات فوق الذکر را ملاک قضاوت قرار دهیم، می توانیم به این نتیجه برسیم که در عصر اسلامی، برخلاف دوران پیش از اسلام، ازدواج های خویشاوندی از مطلوبیت و اقبال چندانی برخوردار نبوده است.

و بالاخره در «تاریخ گیلان و دیلمستان» تالیف ظهیرالدین مرعشی (تولد: ۸۱۵ تا ۸۱۷ وفات: ۸۹۲ ه ق) در مذمت زناشویی های خویشاوندی چنین آمده است:

ان اردت النجات فانكح غریباً و علی الاقربین لا تتوصل فاشفِ التی حسناً و طیباً
ثمرغصنه غریب موصل. اگر رستگاری خواهی زن از بیگانگان کن و از پیوند نزدیکان
بپرهیز چه آن بر و میوه که از شاخ پیوسته بر آید شاداب تر و زیباتر و پاکیزه تر
باشد.*** (بمخدا، امثال و حکم، جلد ۱، ص ۲۸۱) (۱۹)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*- اگر مایلی که فرزندت صالح از کار در آید

** - چه ازدواج کنی و چه نکنی

***- میوه های که شاخ پیوسته بر روی درخت است

نتیجه گیری

- ۱- ازدواج های خویشاوندی (همخون) و توجه به عواقب آنها، از زمره مسائل مستحدثه عصر حاضر است؛ و به همین مناسبت، در منابع فقه سنتی فقط در سطحی بسیار محدود و به نحو غیرمستقیم و گذرا به آن پرداخته شده است.
- ۲- در قرآن - نخستین و مهمترین منبع فقه - و نیز در سنت - اعم از نبوی و غیر نبوی - هیچ مدرک معتبری که بر استحباب و یا مطلوب بودن زناشویی های خویشاوندی (همخون) دلالت کند و به چشم نمی خورد؛ برعکس روایاتی مشاهده می شود که حاکی از کراهت این نوع ازدواج است. در این روایات، زناشویی های همخون عامل ایجاد فرزندان ضعیف و نحیف تلقی گردیده و این ضعف، معلول کمبود تمایل جنسی در نوع انسان نسبت به زنان خویشاوند تصور شده است.
- ۳- سیره عملی و نحوه رفتار معصوم (= پیامبر ص وائمه ع) هم. موضع مشخصی را در خصوص زناشویی های خویشاوندی (همخون) نشان نمی دهد ولی شاید بتوان گفت که در میان ازدواج هایی که از معصوم نقل شده، زناشویی های غیرخویشاوندی و برون گروهی از نظر آماری غلبه داشته است.
- ۴ - مؤرخان و مؤلفان متون اخلاقی در دوران اسلامی عموماً نظر موافقی نسبت به زناشویی های خویشاوندی (همخون) ابراز نداشته اند.

ملخص کلام

به عنوان قضاوتی کلی و عمومی می توان گفت که برخلاف تصور عموم، ازدواجهای خویشاوندی (همخون) - نه با صراحت و نه به صورت ضمنی و تلویحی - مورد توصیه شریعت اسلام و متفکران اسلامی قرار نگرفته است.

یادداشتها

۱) قرابت (= خویشاوندی) نسبی (Blood relationship) رابطه

خویشاوندی ست که بین دو یا چند نفر به مناسبت زاده شدن از پدر یا مادر مشترک و یا به دلیل داشتن جد و یا جده مشترک (و نیز در جهت معکوس) پدید می آید. مثلاً رابطه بین دو یا چند برادر و خواهر با یکدیگر و با پدر و مادرشان و برعکس و نیز رابطه بین یک پسرعمو و یک دخترعمو که جد مشترک دارند، از این گونه است. (جعفری، ۱۳۳۴، ص ۲۱۵)

۲) قرابت سببی (Kinship by marriage)، نوعی علاقه خویشاوندی

ست که به «سبب» ازدواج ایجاد می شود و عبارت از رابطه ایست که بین هریک از زن و شوهر با خویشاوندان نسبی دیگری پدید می آید - و نه بین اقوام زن و اقوام شوهر. (همان، ص ۲۱۴)

۳) قرابت رضاعی (Fosterage)، نوعی رابطه خویشاوندی ست که بر اثر

شیرخوردن دو یا چند کودک - تحت شرایط معین - از زنی واحد، بین خود کودکان مزبور و نیز بین آنها و خویشاوندان نسبی (و حتی رضاعی) آنها پدید می آید مثلاً اگر زنی، طفلی را - که فرزند خود او نیست - شیر دهد و صاحب شیر - شوهر او - دارای چند فرزند باشد، نتیجتاً بین طفل مذکور (= «مرتضع») از یک طرف و زن شیرده (= «مرضعه») و شوهر و فرزندان وی و سایر خویشاوندان نسبی آنها از طرف دیگر، قرابت رضاعی ایجاد می گردد که بر اثر آن، ازدواج بین این طفل و مادر و پدر و برادران و خواهران رضاعی و سایر بستگان نسبی آنها حرام می شود؛ زیرا به موجب دو قاعده معروف فقهی، تأثیر رضاع از نظر ایجاد تحریم برای ازدواج، همانند نسب است:

و نیز: «الرضاع لحمه کلحمة النسب» (= هم شیری، قرابتی ست نظیر قرابت نسب)

- «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» (آنچه بر اثر نسب حرام است در نتیجه

همشیری هم حرام می شود) (عبده بروجردی، ۱۳۳۹، صص ۲۸-۲۸۲)

نهاد حقوقی «رضاع» گرچه از ویژگی های فقه اسلامی به شمار می رود، ولی در بعضی دیگر از ادیان و فرهنگ ها - از آن جمله در کیش زردشت هم - مشاهده می شود. (شاهرخ، ۱۳۳۷، ص ۸۶)

۴) این مورد در صورتی پدید می آید که دو برادر با دو خواهر ازدواج کنند و بعداً فرزندان آنها هم، با یکدیگر وصلت نمایند. در اصطلاح انگلیسی به این فرزندان Double Cousins اطلاق می شود.

۵) در مورد دوقلوهای یک تخمکی و مونوزایگوت Monozygote و حقیقی، میزان شباهت به ۱۰۰ درصد افزایش و در مورد برادران و خواهران ناتنی به ۲۵ درصد کاهش می یابد. (سروری، همان ۱۱۱-۱۱۰)

۶) هر فرد به ظاهر طبیعی [و سالم] دارای حداقل سه ژن نهفته بیماری زاست و در برخی از افراد که ثمره ازدواج های فامیلی نزدیک هستند، این تعداد به ده ها ژن می رسد (همان، ص ۲۰)

۷) منظور از «مادر رضاعی» زنی است که به کودکی خردسال که زاده او نیست، حداکثر تا دو سالگی، حداقل یک شبانه روز یا ۱۰ یا ۱۵ مرتبه (برحسب اقوال مختلف فقها) به طور کامل مستقیماً از پستان خود، با شرایط معین شیر داده باشد. (عبده بروجردی، همان، ص ۲۸۲)

۸) مراد از «خواهر رضاعی» دختر تنی مادر رضاعی و یا دختر دیگری ست که از همان زن شیر خورده باشد.

۹) در بعضی از متون فقهی، محدوده مجاز همسریابی در بین خویشاوندان نسبی به موجب قاعده زیر مشخص شده است: یحرم علی الانسان کل قریب عداالاولاد العمومه و الخثوله یعنی برای انسان، زناشویی با تمام خویشاوندان نسبی، به جز فرزندان عمو، عمه، دایی و خاله، حرام است. (جعفری، بی تا، ص ۴۷۸)

۱۰) از نظر فقه شیعه «معصوم» شامل پیامبر (ص) و ائمه می گردد ولی اهل سنت آن را فقط منحصر به پیامبر می دانند.

۱۱) این استنتاج نگارنده، مبتنی بر تفحص و تتبع در امهات کتب حدیث و فقه (و یا معاجم آنها) و از آن جمله: «فروع کافی»، «بحارالانوار»، «وسایل الشیعه» (کتاب نکاح)، «معجم المفهرس کتب اربعه»، «شرح لمعه» (مستحبات نکاح) و نیز متکی بر استفسار و استعلام از تنی چند از بزرگان فقه و متخصصان متبحر علم حدیث* است.

ناگفته نماند که در میان انبوه احادیث مربوط به نکاح، حدیثی مشاهده شد که در آن تلویحاً، ازدواج خویشاوندی، از باب صله رحم، به طور غیرمستقیم مورد توصیه قرار گرفته و آن حدیثی است منقول از حضرت سجاد (ع) به شرح زیر: «من تزوج لله و لصله الرحم توجّه الله بتاج الملک» یعنی کسی که به خاطر خدا و به انگیزه صله رحم ازدواج کند، خداوند افسر عزّت را بر سر او می نهد.** (مآخذ: وسایل الشیعه، کتاب النکاح، باب استحباب تزویج المراه الدینها و صلاحها و لله و لصله الرحم) و نیز من «لایحضره الفقیه» به نقل از خورشید معرفت (غروی، بی تا، ص ۲۴۰)

ضمناً راقم این سطور، در جریان بررسی مآخذ مربوط، به جمله عربی کوتاهی در تحسین ازدواج پسرعمو با دخترعمو برخورد که متأسفانه از ضبط مآخذ آن غافل ماند به این شرح: «نعم الزوجه بنت العم» (یعنی بهترین همسر، دخترعمو است) ولی با همه جستجویی که به عمل آورد، به هیچ نشانه یا قرینه ای که حاکی از حدیث بودن آن باشد، دست نیافت. از این رو، احتمال می دهد که عبارت مزبور ضرب المثل و یا از قبیل کلمات قصار باشد.

۱۲) غزالی در مقام توضیح و تعریف تعبیر مزبور چنین می گوید: «...و اما خصلت هایی که خوشی زندگانی بدان حاصل شود - و از مراعات آن در زن چاره نبود تا دوام و توفّر (= تأمین کامل) مقاصد زوجین حاصل آید -

*- از آن جمله اند: آیت الله ناصر مکارم شیرازی و استاد علی اکبر غفاری

**- در اینجا، بی مناسبت نیست به اظهار نظر یکی از فقهای معاصر در این خصوص اشاره شود:

«...برخی از مسلمانان گمان می کنند ازدواج با خویشان نزدیک مانند عموزاده یا عمه زاده یا فرزندان دایی و فاله، صله ارحام محسوب می گردد و مستحب موکّد است. این تصور در باره خویشان دور به مورد است ولی نه خویشان نزدیک ... زیرا وقتی [ازدواج] زیان آور باشد قطع رحم محسوب می شود؛ چون [در واقع،

هشت است: دین [دار بودن]، خوی خوش، خوبروی، سبکی کاوین (= کابین، مهر)، زاینده‌گی، دوشیزگی، [نیکی] نسبت و [بالاخره] آنکه خویشاوند نزدیک نباشد» (غزالی، ۱۳۵۹، ص...)

(۱۳) در فرهنگ و ادب عرب در دوران بعد از اسلام، انتقادهای و ابراز مخالفت‌هایی در مورد ازدواج‌های خویشاوندی مشاهده می‌شود که غالباً جنبه توصیه و یا ضرب‌المثل دارد:

- معروف است که روزی عمر بن خطاب از علت کوتاهی قد افراد آل سائب - از قبیله قریش - استفسار کرد. در پاسخ او گفته شد که این خصیصه، معلول وقوع ازدواج‌های خویشاوندی مکرر در بین آنهاست. در پی این گفتگو، عمر این ازدواج‌ها را منع کرد.

- ابن عبدریه - شاعر و نویسنده عرب (متوفای ۳۲۸ هـ ق) - در کتاب «العقد الفرید» در مقام توصیف یک پهلوان چنین گفته است: او پهلوانی است که مولود وصلت با دختر عمو نمی‌باشد و از آنجا که نطفه منعقد در ازدواج‌های خویشاوندی ثمره ضعیفی را به بار می‌آورد، او ضعیف نیست.

- از الميدانی - از ادبای قرن ششم هجری - منقول است که با افرادی ازدواج کنید که از نظر خویشاوندی با شما فاصله دارند نه با نزدیکان.

و بالاخره از شیخ ابراهیم باجوری - از نویسندگان و فقهای شافعی قرن سیزدهم هجری - عبارتی - از کتاب حاشیه بر شرح ابن قاسم - نقل شده است بدین مضمون: اگر طالب اصالت نسل - خصایص عالیة جسمی - هستید با بیگانگان وصلت کنید و از زناشویی با خویشاوندان احتراز کنید. بنا به ادعای نامبرده، تمایل جنسی یک مرد نسبت به زنی که با او خویشاوندی نزدیک دارد (و مثلاً دخترعموی اوست) ضعیف است و در نتیجه فرزندی هم که از این پیوند پدید می‌آید ضعیف خواهد بود.

(۱۴) احتمالاً کنایه از اینکه جای مناسب برای پرورش و نشو و نما گیاه، مزرعه و صحراست نه درون خانه.

(۱۵) به احتمال زیاد، در میان همسران پیامبر، غیرخویشاوندان در اکثریت بوده‌اند. در تأیید این مدعا کافی است به وابستگی‌های قبیله‌ای

زوجه های پیامبر تَوَجَّه کنیم: خدیجه از بنی مخزوم، سوده از بنی اسد، زینب بنت خزیمه از بنی هلال، میمونه از بنی عامر، عایشه از بنی تمیم، زینب بنت جحش از بنی اسد بن خزیمه، ام سلمه از بنی مخزوم، جویریّه از بنی خزاعه، ام حبیب از بنی امیه، صفیه از بنی اسرائیل... (تردیدی نیست که در بیشتر این وصلت ها ملاحظات سیاسی - تألیف قلوب و ایجاد وحدت بین قبایل غالباً رقیب و یا متخاصم - مورد نظر بوده است. (موسوی غروی، بی تا، صص ۲۸۵-۲۸۶)

۱۶) معروف است که حضرت علی (ع) پس از درگذشت حضرت زهرا (س)، از عقیل برادرش که در نسب شناسی شهرت داشت، درخواست کرد که در میان قبایل عرب، قبیله ای را که افراد آن از نظر صحّت مزاج و قوّت بنیه و شجاعت معروف باشند در نظر بگیرد و از بین دختران آن قبیله دختری را که از جهت سلامتی و نیروی بدنی شاخص باشد انتخاب و برای او خواستگاری کند تا فرزند ناشی از این ازدواج فعل (= پهلوان) و فارس (= اسب سوار ماهر) از کار در آید.

برای این منظور، عقیل «أم البنین» از قبیله بنی کلاب را انتخاب و به حضرت علی معرفی کرد. مولود این وصلت حضرت عباس (ابوالفضل ع) بود که به مناسبت زیبایی چهره به «قمر بنی هاشم» شهرت یافته و در شجاعت نیز سرآمد اقران بوده است. (پاک نژاد ۱۳۵۳، ج ۲۱)

۱۷) حضرت علی بن الحسین، زین العابدین (ع)، افتخار می کرده که پدرش منتسب به قبیله قریش - اشرف قبایل عربستان - و مادرش از ایرانیهاست که در میان عجم از همان منزلت و مرتبه قریش برخوردارند. در این زمینه فرزدق بیت معروفی دارد:

و ان غلاماً بین کسری و هاشم
لاکرم من نیطف التمام

(دهخدا، امثال و حکم، جلد ۳، ص...)

۱۸) قال المعلّم الاول - ارسطو - الجَمَل لاینزو علی امه وقد احتال بعضهم علی انزائه فلما علم ذلك حقد علی المحتال علیه به و اهلكه و اما الفرس الکریم فقد غولط بامر ملک یقال له اسفویافس و نزا علی امه، فلما سفدها و عاین ذلك فی ما یقال القی

نفسه فی و هده و عطب و قد سمعت بعض الثقات بخوارزم قریباً من هذا (شفاء جلد
۱، ص ۴۲۵)

معلم اول ارسطو می گوید: شتر بر مادرش نمی جهد (با وی جماع نمی کند). شخصی با
توسل به حيله، شتری را به این عمل واداشت. چون شتر از واقع امر آگاه گردید، کینه وی را به
دل گرفت و او را هلاک کرد. همچنین، اسب نجیب با مادرش آمیزش نمی کند. در زمان پادشاهی
به نام اسفویافس اسبی را به اشتباه انداختند و به جماع با مادرش واداشتند. پس از آنکه متوجه
قضیه شد، خود را به گودالی پرتاب کرد و هلاک گردید. [در پایان، ابن سینا اضافه می کند] قریب
به همین واقعه را در خوارزم از بعضی افراد مورد اطمینان شنیده ام. (حسن زاده آملی، ۱۳۷۷، ص
۶۲)

۱۹) ناگفته نماند که در میان صاحب نظران و متفکران ایرانی دوران بعد از
اسلام، ازدواج خویشاوندی موافقانی نیز دارد از آن جمله:

چو پیوسته خون نباشد کسی نباید براو بودن ایمن بسی
(شاهنامه فردوسی، رزم کاوس با شاه هاماوران)

هر آنکه که بیگانه شد خویش تو بداندست راز کم و بیش تو
از او خویشتن را نگه دار باشد شب و روز بیدار و هشیار باش
(نقل از بهشت سخن فردوسی دکتر مهدی حمیدی، ص ۵۴)

غریب باشد هم زشت و هم گران کابین

رضی الدین نیشابوری (دهخدا، امثال و حکم، جلد ۲، ص ۱۱۲۴)

(برای تفصیل بیشتر رجوع شود به احمد کتابی: ازدواج های فامیلی ابعاد و پیامدهای آن)

مآخذ

- ۱- الحسینی الزبیدی (بی تا)، سیدمحمد بن محدث اتحاد الساده المتقین بشرح اسرار احياء علوم الدین (به عربی) در ۱۰ مجلد، ناشر: احياء التراث العربی، بیروت، جلد پنجم.
- ۲- پاک نژاد، رضا (۱۳۵۲)، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، کتابفروشی اسلامی، جلد ۲۱: بهداشت نسل. ازدواج فامیلی، ازدواج موقت.
- ۳- جعفری لنگرودی، جعفر (بی تا) ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم.
- ۴- جعفری لنگرودی، جعفر (۱۳۳۴) فرهنگ حقوقی، تهران، بنگاه معرفت
- ۵- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۷) (مقاله) رتق و فتق، فصلنامه میراث جاویدان، تهران، سازمان اوقاف، شماره ۲۲
- ۶- حمیدی، مهدی (۱۳۶۶) بهشت سخن، تهران، پازنگ.
- ۷- رهنما، زین العابدین (مترجم و شارح) (۱۳۵۲)، قرآن کریم، در ۴ مجلد، از انتشارات سازمان اوقاف
- ۸- سروری، علی، ۱، (۱۳۷۴)، ازدواج های فامیلی و بیماریهای ژنتیکی کودکان. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و انتشارات نورین سپاهان، چاپ اول.
- ۹- شاهرخ، کیخسرو (۱۳۳۷) آیینة آیین مزدیسنی، با یادداشتهای اورنگ، تهران، افلاتون شاهرخ
- ۱۰- شجاع، ؟ (۱۳۵۰)، انیس الناس، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۱۱- عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر (۱۳۴۷، ۱۳۳۷)، قابوسنامه، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی فروغی و نیز به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۱۲- غزالی، امام محمد (۱۳۵۹) احياء علوم الدین (ترجمه فارسی) به قلم مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، آغاز ربع عادات، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- ۱۳- غزالی، امام محمد، (۱۳۶۱) کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم. ۲ مجلد. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۱۴- کتابی، احمد (۱۳۸۰) ازدواج های فامیلی، ابعاد و پیامدهای آن در ایران از طرح های مصتوب شورای پژوهش های علمی کشور

- ۱۵- مرعشی - ظهیرالدین، تاریخ گیلان و دیلمستان، به تصحیح دکتر منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۶- مسعودی، ابوالحسن (۱۳۴۳)، مروج الذهب و معادن الجواهر، به ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۱۷- مقدسی، شمس الدین ابو عبدالله (۱۳۶۱)، احسن التفاسیم فی معرفه الاقالم، ترجمه: علینقی منزوی، تهران شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱، ۲ جلد
- ۱۸- موسوی غروی، محمدجواد، خورشید معرفت، بی جا، بی تا (احتمالاً چاپ اصفهان)
- ۱۹- موسوی غروی، محمدجواد، (۱۳۷۳) مبانی حقوق در اسلام، به ضمیمه رساله بلوغ، اصفهان، جهاد دانشگاهی اصفهان
- 20-Pati Raphael (1902), Golden River to Golden Road. Society, culture and change in the Middle East. University of Pennsylvania Press. PP. 135-175.

مآخذ دیگر

- ۲۱- حقیقتیان، منصور و مقدسی، شهرام (۱۳۷۷)، ازدواج های فامیلی و بیرون ناتوانی ها و معلولیتها در استان چهارمحال و بختیاری، فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور، شماره های ۲۵ و ۲۶.
- ۲۲- دشتی رحمت آبادی، غلامرضا، منع ازدواج با محارم از دیدگاه اقوام و ملل، فصلنامه مشکوه.
- ۲۳- صانعی، صفدر (۱۳۴۶)، بهداشت ازدواج از نظر اسلام، مشهد، کتابفروشی جعفری
- ۲۴- صبور اردوبادی (۱۳۵۶)، همخونی از نظر ژنتیک و اسلام، انجمن علمی - مذهبی دانشگاه آذرآبادگان.
- ۲۵- عسگری خانقاه، علی اصغر و شریف کمالی، محمد، انسان شناسی عمومی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۸.
- ۲۶- کرباسی صومعه سرائی، محمدعلی، مخاطرات ازدواج فامیلی (در ۲ بخش)، همشهری، ۱۶ و ۱۷ مهر ۱۳۷۸.
- ۲۷- مولوی، دکتر محمدعلی (۱۳۴۸) اصول توارث انسان، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۸- مشکانی، محمدرضا و مشکانی زهرا سادات، (۱۳۷۵). مقایسهٔ مرگ و میر نوزادان در ازدواجهای خویشاوندی و غیر آن در چند استان ایران، فصلنامهٔ جمعیت، شمارهٔ ۱۸، سازمان ثبت احوال کشور.

۲۹- میرمحمدی، مجید، ازدواج فامیلی چرانه، مجلهٔ اطلاعات علمی، سال ۱۳، شمارهٔ ۸، ص ۲۲.

۳۰- نوری دلویی، محمدرضا، ازدواج های فامیلی، رشد زیست شناسی، شمارهٔ ۸، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی